

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجنیر سید مختار دریا
۲۴ مارچ ۲۰۲۳



مختار دریا

بزم نور سحرگاہی

مظفر شد علمدار سپاه و گرد رزم آرا
خروشید آن علمدار سپاه نور بی پروا
فگند اندر میان جیش شب صد شیون و غوغا
ز مرد فرس شد بردشت و باغ و راغ بی همتا
شفق خونین قبا سر میکشد زان دخمه سودا
برون آرد ز خاک تیره صدها رنگ روح افزا
کشید آن خیمه زرباقت را بر طارم خضرا
برون زان خیمه شد با برق زرین طلعت عیسا
دژمخو دیو شب اندر شفق شد بی سرو بی پا
که دودش سرکشید تا آسمان از جوشن دارا
که لرزانده ست خیل بدکشتان را ز سر تا پا
گه پاشیده بر روی زمین از عالم بالا
سحر شد بوسه زن بر غنچه های نورس عذرا
به رنگ هدیه ریزد شبنمش بر گلشن خضرا

سحر چون رمح خورشیدش درید آن جوشن سودا
به قلب عرصه پیکار ظلمتکیش دونخصلت
به بازوی توانمند و به کف صمصام خونریزش
پیام باد نوروزی رسید از جانب خاور
درفش خشم فروردین دریده سینه دی را
نگر این کلک قدرت را که از یک قطره بی رنگ
سپه سالار نور و جیش پیروزی در آن ساعت
عروس خاور، آن آستن شادی و سرمستی
ز تیغ هیبت روئین تن سالار در خاور
تو گوئی جیش اسکندر هجوم آتشین دارد
فلک کلکش به دندان میگذرد زان هیبت و صولت
سقاوت بین که حاتم شد خجل زان خلقت و قدرت
سحاب دُرفشان بر تارک نو باوگان باغ
سحاب قبله میوسد قدمگاه عروس باغ

رسد بر مسمع لاهوتیان تا مسند زرقا
قناری گشته بزم آرا و رقصد سرو با یکپا
زکف دادند هوش و عقل و دل با جلوۀ ایما
که می آید نوای دلکش لاهوتیان اینجا

نوای بلبلان مست و آن خنیاگران باغ
چو عطر یاس و سنبل یاسمن در باغ می پیچد
در این بزمی که ساقی مست و مخمور است و میخواران
بیا دریا که بزم نور بینی در سحرگاهان

مختار دریا ۲۷ دسمبر ۲۰۲۲ کیمبریج اونٹاریو